

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۶
یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۳ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - بهار ۱۵۰۰ ریال

امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا مجری تروریسم بین المللی

دولت جدید آمریکا، به «ایتکار» ریگان و شرکاء، تبلیغات نوینی را بخدمت گرفته مینی بر اینکه، منبع «تروریسم بین المللی» اتحاد شوروی است! ضمناً از سخنان مقامات رسمی امریکائی، از جمله وزارت خارجه امریکا، معلوم است که منظور آنها از «تروریسم بین المللی» تبلیغاتی است که اتحاد شوروی بسود جنبش‌های آزادیبخش انجام می‌دهد و حمایتی است که این کشور از مبارزات آزادیبخش خلقها بعمل می‌آورد.

پدینسان، مبارزات مسلحانه رهاپخش خلقهای کشورهای هندوچین، که ابتدا برای رهایی از چنگ استعمار فرانسه و سپس برای رفع تجاوز امپریالیسم امریکا صورت گرفته، جنگ ضداستعماری خلق الجزایر، مبارزات مسلحانه خلقهای آنگولا، موزامبیک و کینه بیسافو علیه استعمارگران پرتغال، بردهمسلحانه خلق زیمبابوه برضد رژیم نژادپرست رودزیا و... بدعوی زمامداران تبوین در واشنگتن، حلقات زنجیر «تروریسم بین المللی» بوده‌اند، که به تحریک و کمک اتحاد شوروی و دوستانش انجام گرفته‌اند.

غرض از این «تفسیر» حوادث تاریخی، فقط تحریف تاریخ مبارزات آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها نیست. غرض از این «تروریسم» به تمامی جنبش‌ضد استعماری، ضد امپریالیستی، ضد نژادپرستی و ضد فاشیستی، تمامی جنبش‌های بخش و استقلال طلبانه و آزادیخواهانه خلقهاست، که در بقیه در صفحه ۴

چپبه تیرد روانسی = ایدئولوژیک = سیاسی نوین امپریالیسم آمریکا علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، علیه جنبش‌های آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها، علیه صلح و امنیت بین المللی، زیر عنوان «تروریسم بین المللی»، چپبه تیردی جنیدی است. برای شکستن امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، در این چپبه نیز، همکاری رزمنده جنبش‌های آزادیبخش و استقلال طلبانه خلقها و همه نیروهای صلحدوست، دمکراتیک و مترقی با جنبش اصیل کمونیستی و کارگری جهانی، ضرور است.

- خواست عمومی و حقه میلیونها دهقان زحمتکش را برآورده میسازد.
- جلو جنایات و غارت خوانین و عمده مالکین قلدر را میگیرد.
- یکی از پایگاههای اصلی آمریکا و توطئه‌های آنرا از بین میبرد.
- دست مسئولان متعهد را در اجرای برنامه‌های نوسازی کشور باز میکند.
- نهادهای انقلابی را از علاقه و احترام و پشتیبانی میلیونها روستائی برخوردار میکند.
- اصلاحات ارضی واقعی را وارد مرحله اعتلائی جدید میکند و بدوران نشیب و عقب نشینی انقلاب پایان می‌دهد.

اجرای بند «ج»

روزی که اعلام شد «فلاویوس موقت» اجرای بند «ج» قانون واگذاری زمین متوقف میشود، تا در شرایط مساعدتری دوباره آغاز گردد، معلوم شد که اعمال فشارها و تضییقات، جوسازیها و تبلیغاتیکه بزرگ مالکان و خاندانها ترتیب داده بودند، مناسفانه، منظم واقع شده و انقلاب، به ناچار، اگرچه بطور موقت، دست به یک عقب نشینی زده است.

پس از یکدوران پرتالاش تحقیق و فعالیت هیئت‌های هفت نفری مامور اجرای قانون - که در فروردینماه ۵۹ به تصویب قطعی شورای انقلاب رسیده بود - عمده ترین بخش قانون، یعنی بند های «ج» و «د» مربوط به اراضی بایر و دایر بزرگ مالکان معلق ماند و در واقع اصلاحات ارضی، که میرفت تازه آغاز شود، در نیمه راه متوقف ماند و دچار نشیب شد.

تعمیق موقتی بند «ج» جشن بزرگ مالکان بود، علامت آغاز یورش همجانبه آنان بر انقلاب و بن روستائیان بود. بدینی بود که در جشن آنان، همه لیبرالها و آمریکادوستان و زرانروزان و روحانی نمایان بنا شادی شرکت کنند، اینان خود زمینه ساز این

تعمیق و تحمیل کننده آن، در شرایط تهاجم عمومی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا و جنگ تحمیلی رژیم صدام، بودند. متوقف شدن فعالیت‌های هیئت‌های هفت نفری، عزای میلیونها دهقان زحمتکش بود، و طبیعی بود که در غم اینان، که آنهمه امید به انقلاب و ثمرات آن بسته بودند، همه انقلابیون صدیق، همه طرفداران تعمیق و گسترش انقلاب، کلیه مسئولان متعهد و روحانیان جمهوری اسلامی و همه افراد فداکار و مبارز نهادهای انقلابی، بویژه درجهاد سازندگی و سپاه پاسداران و نهضت سوادآموزی و البته خود هیئت هفت نفری عمیقاً شریک و سهیم باشند.

بی تردید اعلام تعمیق موقتی بندهای «ج» و «د» به شرایط حساس فاشی از جنگ تجاوزی آمریکا بدست صدام و به کشت پائیزه اسال و به آرامش محیط دهات، که از جانب محافل معینی تهدید به افشاش میشد، مربوط بود و در عین حال، همانطور که ستاد زمین هم اعلام کرد، اصل مسئله همان «اعمال فشار و تضییقاتی» بود که بزرگ مالکان و فئودالها توسط ایادی خود بوجود آوردند.

از آنجا که بندهای «الف» و «ب» بیشتر مربوط میشود به اراضی موات و مصادره شده و مراتع و زمین‌هایی که توسط محاکم استرداد شده، اعلام تعمیق موقتی بند «ج»، اگر نه الغاء قانون اصلاحات ارضی، لاقابل معنای توقف اجرای آن، و اگر نه انحلال هیئت‌های هفت نفری، لاقابل معنای انجماد فعالیت آنها بود. (بند «ج» مربوط به اراضی بایر سابقاً دایر بند «د» مربوط به اراضی دایر بزرگ مالکی است). روشن است که نیشد اصلاحات ارضی واقعی انجام داد و نمیشد بزرگ مالکی را الفا کرد، مگر آنکه در درجه اول زمینهای مشمول بندهای «ج» و «د» را به دهقانان بی زمین و کم زمین داد.

در بیش از سه ماهی که از آنموقع میگذرد، تجربه و واقیفات ثابت کرده است که ضدانقلاب بالاترین بهره را از عدم اجرای قانون گرفت، و در برابر مصالح انقلاب و توده مردم زحمتکش، شدیداً از آن زیان دید. این تجربه تلخ و این واقیفات سنگین بودمانند، ولی حالادیکر بر همه کس واضح شده است که برای پیشبرد انقلاب لازمست بند «ج» اجرا شود؛ برای ضرب زدن به ضدانقلاب

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان

بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب انقلابی خلق مغولستان (۱۰ اسفند ۱۲۹۹) رفقای گرامی!

شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب انقلابی خلق مغولستان را به شما و، از طریق شما، به همه کمونیستها و زحمتکشان جمهوری خلق مغولستان شادباش میگوئیم.

تاسیس حزب انقلابی خلق مغولستان رویدادی بود سترگ و تاریخی در زندگی مردم و زحمتکشان مغولستان. خلق مغولستان، به رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی خود و پس از انقلاب خلقی ۱۹۴۹، نه تنها بر میراث شوم فئودالیسم و واپس ماندگی عمیق اجتماعی چیره شد، بلکه با جهشی تاریخی، بدون عبور از مشقات و رنجهای مرحله سرمایه داری، به ساختن جامعه سوسیالیستی دست یازید. مردم مغولستان، در این گستره، همواره از کمکهای همه جانبه، برادرانه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی برخوردار شده‌اند.

حزب انقلابی خلق مغولستان پیوسته پشتیبانی خود را از مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران و حزب توده ایران ابراز داشته و پس از انقلاب شکوهمند ۲۴ بهمن، نیز به همبستگی انترناسیونالیستی خویش ادامه داده است.

حزب توده ایران، ضمن سپاسگزاری از همبستگی یی‌دیخ حزب انقلابی خلق مغولستان و خلق مغولستان با حزب ما و مردم ایران، پیروزیهای هرچه بیشتر حزب برادر را در رهبری مسردم مغولستان بسوی تحکیم جامعه سوسیالیستی خواستار است.

اعتقاد راسخ داریم که مناسبات میان حزب توده ایران و حزب انقلابی خلق مغولستان در آینده نیز، بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتری و بسود خلق‌های دو کشور، تحکیم و گسترش خواهد یافت.

با درودهای برادرانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: نورالدین کیانوری

همزبانی ضد انقلاب ولیرالها

رادیو بختیار

«بر ملا کردن خیانت‌های حزب توده که در دو سال گذشته با رفتن زیر عباي ملایان و حمایت بی چون و چرا از سیاست ضد ملی و ضد مردمی آنها مورد نفرت و انزجار همگان قرار گرفته است، می‌تواند بهترین وسیله برای جلب مردم باشد.»

«دستگاه رهبری حزب توده در صدد است تا بر خیانتها و فرصت طلبی‌های خود پرده بکشد» (از برنامه جمعه، ۸ اسفند ۵۹)

دکتر یزدی

«چطور شده است که ادعای یک حزب مارکسیستی مینی بر خط امام بودن، علیرغم آنهمه خیانت، قابل قبول شده است.»

«دشمنان انقلاب اسلامی ایران، همان توده نفتی‌ها هستند.» (از سخنرانی روز پنجشنبه ۷ اسفند ۵۹ در امجدیه)

رادیو بختیار:

«کاری که خمینی برای توده‌ای‌ها کرده، خود توده‌ای‌ها هم... نمی‌توانستند»

دکتر یزدی:

«مگر طرفداران حکومت «دیکتاتوری پروتاریا و استالین جز این میکردند» (همان سخنرانی)

گزارش نیکلای تیخونوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

درباره برنامه پنجساله اقتصادی

یست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، که روز ۴ اسفند ۵۹ در مسکو گشایش یافت، به کار خود ادامه میدهد.

در جلسه بامداد روز هشتم اسفند ۵۹ نیکلای تیخونوف، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، در

باره جهات عمده برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی و دورنمای ترقیات اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی تا سال ۱۹۹۰ به کنگره گزارش داد.

در این گزارش آمده است که در برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی، ماندن برنامه‌های گذشته، بیش از هر چیز به بالا بردن سطح رفاه زندگی مردم در بقیه در صفحه ۴

دو کلمه درباره میتینگ لیبرالها

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دیدارهای لئونید برژنف با سران هیئت‌های نمایندگان

با منگستو هایله ماریام، رهبر اتیوپی

در جریان این ملاقات، لئونید برژنف و هایله ماریام بر ضرورت مبارزه بخاطر استحکام مبانی صلح تاکید کردند. طرفین مسئله مبارزه در راه جلوگیری از مسایفه تسلیحاتی و گسترش و تعمیق روند تشنج‌زدائی را بمثابة اقداماتی موثر برای استحکام صلح جهانی ارزیابی کردند. در این ملاقات از گسترش روابط و همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور اظهار خرسندی شد.

با سانتوس رهبر آنگولا

در ملاقات لئونید برژنف با ژوزه ادوارد دویوش سانتوس، رئیس جمهوری آنگولا، تمایل رهبران دو کشور برای گسترش همکاری‌ها ابراز گردید. رهبران دو کشور بار دیگر همبستگی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کار آنگولا - مپ‌آل را با مبارزه خلق‌های نامسی‌بیا و افریقای جنوبی علیه استعمار و نژادپرستی اعلام داشتند.

گزارش نیکلای تیخونف...

است. در این برنامه به تأمین رفاه زندگی و رشد و تکامل همه‌جانبه افراد جامعه و استحکام هرچه‌بیشتر پایه‌های اقتصادی و توان اتحاد شوروی در هم‌زمینه‌ها توجه لازم مبذول شده است. رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت که محافل سیاسی و اقتصادی واقع بین غرب نیز جنبه‌های صلح آمیز برنامه‌های پیشرفت اقتصادی اتحاد شوروی را یادآور میشوند. در این برنامه يك سلسله اقدامات وسیع و همه‌جانبه برای بالا بردن سطح کشاورزی پیش‌بینی شده است. حجم تولید کالاهای مصرفی افزوده خواهد شد و سیاست تأمین ثبات قیمت‌های خرده‌فروشی و از آنجمله مواد غذایی و خواربار همچنان دنبال خواهد شد. در پنجال آینده میانگین حقوق کارگران و کارمندان از ۱۳ تا ۱۶ درصد به میزان درآمد دهقانان تعاونی‌های اقتصاد روستائی ۲۰ تا ۲۲ درصد افزوده خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱
زمینه‌های اقتصاد و فرهنگ و بهداشت توجه شده است. در دوران پنجساله آینده درآمد واقعی مردم شوروی ۱۶ تا ۱۸ درصد ارتقاء خواهد یافت. میزان حقوق بازنشستگی و کمک‌هزینه‌ها به خانواده‌های پسران افزوده خواهد شد. در ۵ سال آینده شرایط مسکن ۵۰ میلیون ازاهار کشور بهبود خواهد یافت. درآمد ملی کشور طی ۵ سال آینده ۱۸ تا ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ضمن ارزیابی نتایج اجرای برنامه پنجساله گذشته اظهار داشت که طی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۴، بیش از ۱۲۰۰ واحد بزرگ صنعتی جدید در اتحاد شوروی احداث شده‌است. نیکلای تیخونف در گزارش خود گفت که در طرح برنامه پنجساله جدید، با توجه به ارزیابی نتایج اجرای برنامه پنجساله گذشته، مسائل عملی ساختمان جامعه کمونیستی منظور شده

دولتهای مستقل نوین را برعهده مسکوه گذاردن، چیزی نیست جز یکی دیگر از جبهات جنگ روانی که فوآستمارگران و محافل حاکمه تجاوزکار آمریکا میخواهند برپا کنند. این جبهه جنگ روانی جدیدی است که باید با مقابله جدی و متحد همه نیروهای ضدامپریالیستی، همه مخالفان جنگ و تجاوز، همه نیروهای استقلال‌طلب و آزادی‌خواه و همه کمونیستهای اصیل درهم شکسته شود. و اما مواضع اتحاد شوروی، که مستقیماً هدف اتهام تبلیغات دولت جدید آمریکا قرار گرفته. در روزنامه پراودا، به تاریخ سوم فوریه سال جاری (۱۴ بهمن ۵۹) بشرح زیرین اعلام شده است:

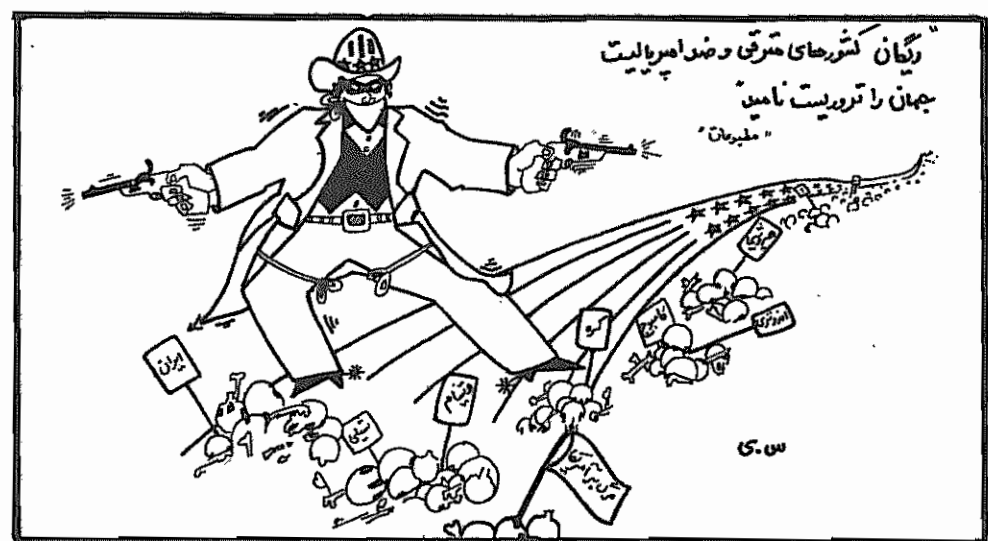
تروویسم یکی از مظاهر بحران اخلاقی - سیاسی جامعه سرمایه‌داری است. این سلاح فاشیسم است برای ایرادضربه بر سازمانها و رجال مترقی. شیوه‌های تروویستی افراطیون ماوراء چه نظیر «ریگاد های سرخ» در ایتالیا آبه آب آبیاب نیروهای ارتجاعی میریزد. عملیات تروویستی، که مستقیماً از سوی دولتهای امپریالیستی سازمان داده میشود، برای خلقها بویژه خطرناک است. در این زمینه بچاست عملیات جنایت کارانه افشا شده «سیا» را در سازماندهی قتل رجال سیاسی بخاطر آوریوم و «سیا» يك موسسه رسمی دولتی آمریکا است.

هدف از تبلیغات افتراتیوی که پیرامون مسئله تروویسم از طرف دولت ریگان پراه افتاده، تخریب تش‌زدائی، بی‌اعتبار کردن سیاست خارجی اتحاد شوروی، ایجاد سوء ظن نسبت به مبارزان جنبشهای آزادیبخش ملی واحزاب کمونیستی است. لذا مقابله جدی با این خرابکاری - نوین ایدئولوژیک - سیاسی امپریالیسم، عقبراندن ارتجاع امپریالیستی تمام دیگر نیروهائی که عملاً یا گرایشهای افراطی و تروویستی، چه راست و چه چپ‌نما، کمک میکنند، از وظائف مهم است.

بنظر ما، جبهه نبرد روانی - ایدئولوژیک - سیاسی نوینی که امپریالیسم آمریکا زیر عنوان «تروویسم بین‌المللی» گنوده، جبهه نبردی جدی است. برای شکستن امپریالیسم، پسرکردگی آمریکا، در این جبهه نیز، همکاری رزمندگان جنبشهای آزادی‌بخش و استقلال‌طلبانه خلقها و همه نیروهای صلح‌دوست، دمکراتیک و مترقی با جنبش اصیل کمونیستی و کارگری جهانی، ضرور است.

حملات هوایی...

بقیه از صفحه ۱
خود عملیات دلوران ایرانی را در روز ۷ اسفند اعلام کرد. در قسمتی از این اعلامیه آمده است: درجبهه آبادان برائش آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای ایرانی، يك تانک، يك انبار مهمات، يك تفنگ نیمه - سنگین ۱۰۶ میلیمتری و تعدادی از سنگرهای دشمن منهدم و تعدادی از افراد آنان کشته و مجروح شدند. همچنین در حملات تهاجمی هلی‌کوپتی هواپرواز په مواضع



وجود دارد و آنرا میتوان از جمله در حمایت آمریکا از رژیم دیکتاتوری خونخوار کره جنوبی بریاست جانوری نظیر «چون - دوخو» مشاهده کرد. که مردم را به خون و آتش میکشد و زیر تانک و زره‌پوش نه میکند، به جرم اینکه آنها دیگر نمی‌خواهند زیر یوغ امپریالیسم آمریکا پسر بزند. «تروویسم بین‌المللی» را در تسلیح داروسه نظامیان حاکم در السالوادور توسط آمریکا میتوان دید که خلق بی‌باخته استقلال‌طلب این کشور را قتل عام میکنند. «تروویسم بین‌المللی» را در چهره پیونوشه فاشیست در شیلی میتوان تشخیص داد که بدست دولت آمریکا، از طریق کودتای نظامی، به خلق شیلی تحمیل شده و این کشور را بصورت قلنگاه استقلال‌طلبان درآورده است. «تروویسم بین‌المللی» در وجود دولت صهیونیستی اسرائیل نمایان است که از جانب آمریکا پول و اسلحه دریافت میکند و با اتکاء به دولت آمریکا خلق فلسطین را، در سرزمینی که متعلق به این خلق است، کشتار میکند و جنوب لبنان را به کشتارگاه بدل کرده است. مظهر «تروویسم بین‌المللی» حمایت دولت آمریکا از رژیم خونخوار آپارتاید در افریقای جنوبی است که پکرات از جانب سازمان ملل متحد محکوم شده، ولی دولت آمریکا و متحدانش مانع از اجرای مجازاتهای مصوب علیه این رژیم سبع می‌شوند. «تروویسم بین - المللی» را در تجاوز مسلح صدام جانی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میتوان رویت کرد که به تحریک آمریکای جنایتکار انجام گرفت و تاکنون هزاران کشته و دهها هزار معلول و صدها هزار آواره جنگ، حاصل آن است. «تروویسم بین‌المللی» را در گروه‌های تروویستی افغانسی میتوان دید که در خاک پاکستان بوسیله عمال «سیا» و ماموران نظامی آمریکائی و چینی تعلیم می‌بینند و مسلح می‌شوند و به افغانستان اعزام میگرددند و در این کشور به جان و مال و ناموس مردم تجاوز میکنند، بقصد اینکه شاید بتوانند دوباره افغانستان را به زیر یوغ امپریالیسم بکشند. آری، تمام رژیمهای دیکتاتوری درنده و تروویستی، تمام گروه‌های تروویستی در سراسر جهان، از حمایت مستقیم دولت آمریکا برخوردارند. هیچ تجاوز مسلحی بر خلقها و برای سرکوب خوین جنبشهای استقلال‌طلب و آزادی‌بخش نبوده است که از سوی امپریالیسم، پسرکردگی آمریکا سازمان نیافته و یا مستقیماً اجرا نشده باشد. (جنگ تجاوزی بربرمنشانه بر ضد ویتنام، تهاجم به لبنان، تهاجم به جمهوری

امپریالیسم...
بقیه از صفحه ۱
حال حاضر جریان دارد. به نظر ریگان، هم مبارزات سازمان آزادیبخش فلسطین برای داشتن کشور و دولت مستقل «تروویستی» است، هم «رژیم خمینی» و انقلاب ایران «تروویستی» است، هم مقاومت خلق نامیبیا در برابر اشغالگران فاشیست افریقای جنوبی «تروویستی» است، هم جنبش ضد نژادپرستی در خود افریقای جنوبی «تروویستی» است، هم نبرد قهرمانانه میان پرستان السالوادور علیه رژیم نظامی - پلیسی دست‌نشانده آمریکا «تروویستی» است - و همه اینها «تروویسم بین‌المللی» است که ساخته و پرداخته مسکوه است! اگر کسی این «منطق» را، که سرگاتکسترهای بین‌المللی عرضه می‌کنند، بپذیرد، آنگاه باید قبول کند که تمام روند تاریخی مبارزات آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه «تروویسم بین - المللی» است، از جمله باید قبول کند که جنگ استقلال مردم آمریکا در قرن هجدهم برای رهائی خویش از یوغ انگلستان نیز اقدامی «تروویستی» بوده است که گناه آن برعهده انقلابیون انقلاب کبیر فرانسه است!

ولی هیچ‌بفرضی چنین «منطقی» را نمی‌پذیرد و نمی‌تواند بپذیرد. و اما در مورد حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزات آزادی - بخش خلقها، بچاست خاطر نشان شود که این حمایت منطبق با متن و روح حقوق بین‌المللی است. در منشور سازمان ملل متحد، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، برابری حق ملل و منع تبعیضات نژادی تصریح شده است و نیز قطعنامه مصوب پانزدهمین اجلاس عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰، استعمار و برتری‌نژادی را غیر - قانونی، و از لحاظ حقوق بین - المللی، بزه‌کاری شناخته و استقلال را حق مسلم دانسته، که باید به کشورها و خلقهای استعمارزده واگذار شود. همچنین قطعنامه‌های پرشماری در سازمان ملل متحد تصویب گردیده‌اند که در آنها مبارزه خلقها برای کسب استقلال حق قانونی آنها شمرده شده است. يك نمونه مشخص و جالب، سازمان آزادیبخش فلسطین است، که دولت آمریکا آنرا سازمان «تروویستی» اعلام داشته، ولی این سازمان بعنوان ناظر در سازمان ملل متحد کرسی دارد و بعنوان یگانه نماینده خلق عرب فلسطین شناخته شده‌است. از سوی دیگر باید گفت که «تروویسم بین‌المللی» در واقع

هنوز کار فرماها حق

وتودارند؟!

به حق مسلم کارگران اخراجی کارگاه مصالح فروشی «جاوید» رسیدگی کنید!

قانون توجه مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی

نوسط هیئت حل اختلاف شورای کارگاه مورد بررسی قرار گرفت. شورای نامبرده در تاریخ ۵۹/۶/۱۰، برای هر یک از کارگران اخراجی مطالبی را تعیین کرد، که می بایستی از جانب کارفرما پرداخت می شد. مبالغ قابل پرداخت تعیین شده، باید بابت سنوات خدمت، خسارت اخراج، مابه التفاوت دستمزد، مرد مرخصی استحقاقی، کمک هزینه مسکن و خواربار ایام خدمت، پرداخت شود.

در تاریخ ۵۹/۸/۱۱ این مسئله به تایید هیئت حل اختلاف رسید و نیز رسماً از طرف مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی استان قطعی و لازم الاجرا، تسخیر شده شد. ولی کارفرما از پرداخت مبالغ تعیین شده سر باز زد و حکم صادره را فاقد صلاحیت اعلام کرد. او وقتی که با توضیح منطقی کارگران مبنی بر قانونی بودن حکم مزبور مواجه شد، قانون کار و حکم مزبور را به باد انتقاد شدید و ناسزا گرفت.

حال این سؤال برای کارگران مطرح است که: به چه عنوان و تحت چه ضابطه قانونی کارفرمای مزبور از اجرای حکم قانونی اداره کار و امور اجتماعی سر باز می زند و در عین حال

بردیگ به یک سال از اخراج غیرقانونی امیر رفیعی، ولی اله غم انگیز محرم علی پورصفری، علی اکبر فلاحت مودب دوست و نصرت عادلانی، کارگران مصالح فروشی جاوید در شهرستان قومن می گذرد. با توجه به صدور حکم قطعی اداره کار و امور اجتماعی استان گیلان مبنی بر پرداخت حقوق مسلم کارگران تاکنون در این باره اقدام حدی بعمل نیامده است.

این کارگران هر کدام از دوازده تا بیست و شش سال برای کارفرمای کارگاه جاوید، در بدترین شرایط، با تحملاً همه سختی های ناسی از کار دشوار، به علت درخواست استفاده از مزایای حق بیمه، با خشم و غضب کارفرما مواجه شده اند. ناگفته نماند که کارگران همگی در تاریخ ۵۷/۷/۲۹ رسماً بیمه شده و مرناً حق بیمه خود را نیز پرداخت کرده اند. کارفرما پس از صدور حکم از طرف شورای کارگاه استان گیلان، مبنی بر لزوم پرداخت مبلغ ۲۷۶۰۰ ریال به هر یک از کارگران، پس از پرداخت مبلغ فوری، بلافاصله آنان را اخراج کرد. این عمل غیرقانونی کارفرمای خاطی، بی درنگ با اعتراض کارگران مواجه شد و متعاقب آن، موضوع اعتراض



کارفرما در مقابل حکم قانونی، به ما جواب سربالا می دهد

ولی اله غم انگیز، جوانی مان را گذاشتیم و برایش کار کردیم. ولی حالا نا جوانمردانه حق ما را پایمال می کند. انقلاب باید او را بشکند!

محرم علی پورصفری: مدت بیست سال در میان گردو غبار گج و سیمان برای این ظالم جان کندم، تازه طلبکار هم هست. دردمان را به که بگویم؟

علی اکبر فلاحت مودب دوست: ما چشممان به انقلاب است و بالاخره حقمان را می گیریم.

به حاست از طرف مسئولان امر در شهرستان قومن، از جمله دادستانی محترم، اقدامات حدی برای احضار حکم قانونی اداره کار بعمل آید.

انقلاب شکوهمند ایران را، که با خون دهها هزار شهید کلگون کفن به دست آمده است، به باد ناسزا می گیرد؟

برای آشنایی بیشتر با وضع کارگران اخراجی پای صحبت آن ها نشستیم.

نصرت عادلانی: میدانید که روزگار سخت است، و من هم که پولی ندارم. از طرف دیگر عائله ام سنگین است و همه ما با قرض گرفتن امور خود را می گذرانیم.

امیر رفیعی: در مقابل حکم قانونی، باز هم او (کارفرما) به خیال سابق به ما جواب سربالا می دهد. نمی دانم چرا به حرف ما رسیدگی نمی کنند؟

با گماردن افراد انقلابی بر رأس کارخانه ها، مبارزه علیه امپریالیسم را شدت بخشیم

از اعضای شورای کارکنان و دو نفر آنها هم اکنون در جبهه مشغول نبرد با تجاوزگران صدامی هستند.

۱- ابقاء عناصر طاغوتی و دادن پست های حساس به آنها،

۲- به کارگماردن شخصی هندی-الاصل، که اخیراً به تائید ایران درآمده است و وضع کاملاً مشکوکی دارد.

اجرای چنین اعمالی از جانب برخی از دست اندرکاران، نشان دهنده آنست که گروهی آگاهانه مصمم هستند که سازمان

گسترش و نوسازی صنایع ایران را به سمت سابق سوق دهند و سعی آنها بر اینست تا عوامل رژیم سابق را به کار ابقا کنند.

مسئولان امر باید در انتخاب افراد برای پست های حساسی چون مدیریت عامل کارخانه ها، منتهای دقت و احتیاط لازم را بعمل آورند، تا مراکز تولیدی کشور همگام با انقلاب در مبارزه با تحریم اقتصادی امپریالیست ها به پیروزی های هرچه بیشتری دست یابند.

برای کمک به جبهه، جمع آوری کمک های جنسی و دارو برای جنگ زدگان و آمادگی کردن گروه های دیگر برای اعزام به جبهه های جنگ و بطور کلی انجام اقداماتی در جهت متحد کردن کارمندان و کارگران در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، از اقداماتی بود که توسط شورا انجام شد.

۱- اوایل آبان ماه ۵۹ مدیرعامل جدیدی به کارخانه ایرالکو اعزام شد. او در بدو ورود به کارخانه، شورا و بسیج را منحل اعلام کرد و عده ای از کارکنان کارخانه مورد تفتیش عقاید قرار گرفتند.

در شرایط بحرانی کنونی، که کشور ما در پشت جبهه به اتحاد و همبستگی و تولید هرچه بیشتری احتیاج دارد، اعمال مدیرعامل کارخانه ریلکو در جهت خلاف این امر است. مدیرعامل جدید، از جمله دست به اقدامات زیر زده است:

۱- اخراج دو نفر از کارکنان،

۲- بحال تطبیق در آوردن کارهشت تن از کارکنان کارخانه، که پنج تن آنها

جریان انقلاب و بنا بر ضرورت جامعه نوین بوجود آمده بودند. با از بین بردن شوراها، اتحادیه های کارکنان و مجموعه شوراهای کارکنان کارخانه های مختلف تشکیل شده بود نیز منحل شد.

۲- با انحلال شوراها، عملاً با اصل ۲۶ قانون اساسی مخالفت بعمل آمد. حتی صوابت انتخاب انجمن اسلامی نیز بر معیار انقلابی و اسلامی متکی نبود.

به این ترتیب برخی از عناصر فرصت طلب و مشکوک هم در این انجمن هاروسخ کردند.

۳- در پی اجرای هدف های بالا کارخانه ماشین سازی اراک و مدیریت عامل آن، که از طرفداران همکاری با شورا بود، مورد هدف قرار گرفتند و با توسل به انواع دیسیسها، مدیرعامل کارخانه اخراج شد. سپس اعضا شورا، که با اخراج بدون دلیل مدیرعامل مخالفت ورزیده بودند، مجبور به استعفا شدند.

بدین ترتیب شورای کارخانه ماشین سازی اراک که قوی ترین شورادر محل بود، با شکست مواجه شد.

* * *

کارخانه دیگری که هدف فرار گرفت کارخانه ریلکو است. شورای کارخانه ریلکو از بدو تاسیس خود پیوسته از منافع انقلاب و مستضعفین بطور بیگانه حمایت کرده است. شورای کارخانه از بدو تاسیس خود، تصفیه عوامل رژیم سابق و عناصر ضدانقلابی و کارکنان را در دستور کار خود قرار داد.

حدود سه ماه، کارخانه ریلکو توسط گروه های سرپرستی اداره میشد، تا اینکه مدیرعامل جدیدی از طرف سازمان گسترش به این کارخانه اعزام شد.

کارگران از پذیرش مدیرعامل جدید خودداری کردند و پس از حدود یکماه در کیری، مدیرعامل مجبور به استعفا شد. پس از آن حدود سه ماه کارخانه بدون مدیرعامل و توسط شورا اداره شد. شورا، در طول آن سه ماه، اقدامات مفیدی در جهت هدف های انقلاب و حمایت از رهبری امام خمینی انجام داد. تشکیل ستاد بسیج، تعلیم نظامی کارگران، اعزام بیست و سه نفر به جبهه که در سفر آنها از اعضا شورا هستند، تبلیغ در جهت بسیج مردم، کمک به جنگ زدگان خوزستان جمع آوری مبلغ دو بیست و ده هزار ریال.

در زمان حکومت رژیم سابق، شرکت هایی در ایران ایجاد میشد که اغلب مقرون به صرفه نبودند. به عنوان نمونه می توان از شرکت ریلکو نام برد، که بعلت مصرف زیاد از حد برق و ایجاد مسومیت در محیط کار و آلوده کردن محیط زیست، حتی کشورهای "جهان سوم" هم از ایجاد این گونه شرکتها خودداری میکنند.

نمونه دیگر آن شرکت هیپوکاست است که به حرات می توان گفت که ۹۹٪ محصولات آن در خارج از کشور سونتاژ میشد، و سرمایه داران وابسته ماشین آلات وارد می شدند. این ماشین ها را فقط با رنگ آمیزی به فروش می رساندند.

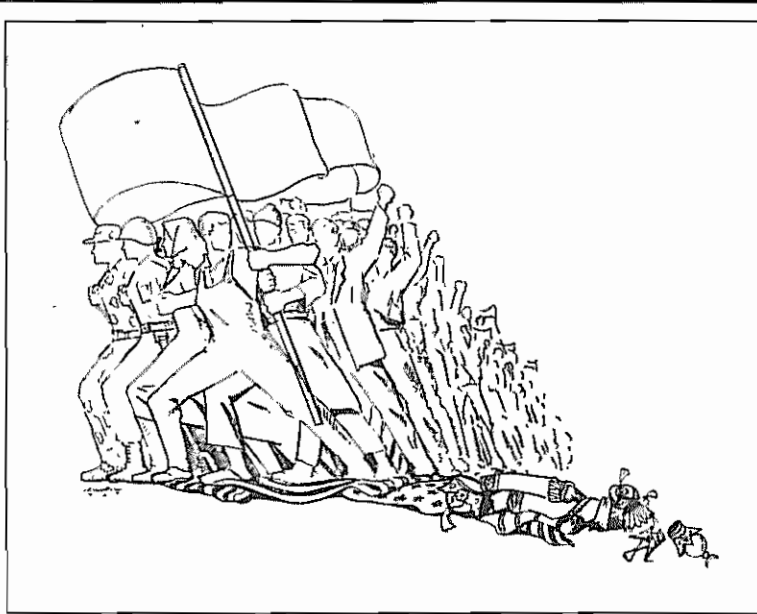
شرکت هایی چون ماشین سازی اراک، تراکتور سازی تبریز، ماشین سازی تبریز، که به عنوان صنایع تولید کننده ابزار تولید با همکاری کشورهای سوسیالیستی در ایران ایجاد شده بود، به علت وابستگی سیاسی و اقتصادی ایران به امپریالیسم، کم کم از مسیر اصلی خود منحرف و به صنایع مونتاژ کشورهای امپریالیستی تبدیل می شدند، مانند: مونتاژ جراثقال

پومپ و ۲۰۰۰ در ماشین سازی اراک و مونتاژ پمپ های تکلیسی در ماشین سازی تبریز. همچنین حدود ۷۰ الی ۸۰ شرکت بزرگ و کوچک مشاوره و نظارت و پیمانکاری جهت بکارگماردن فرزندان ابادی امپریالیسم در راس آنها، که میتوان گفت تیول جدیدی برای وابستگان امپریالیسم به حساب می آمدند تاسیس شدند.

تحولاتی که در سازمان گسترش، صنایع پس از پیروزی انقلاب صورت گرفته، متأسفانه با نیازهای جامعه انقلابی ایران همساز نبوده است. بنا بر این سازمان مذکور باید بازسازی شود و تحول بنیادی و اساسی در آن صورت یابد، تا بتواند نیازهای جامعه انقلابی ما را برآورده سازد.

سازمان سوط دولت "کام به کام" هیتب جدیدی برای اداره امور گسترش، صنایع ایجاد شد. این گروه متأسفانه اهداف گروه قبلی را دنبال می کند و تا بحال کوچکترین قدمی در راه بر آوردن نیازهای انقلاب برنداشته است. اهداف مورد نظر آنها از جمله عبارتند از:

۱- از بین بردن شوراها، که در



طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

بای صحبت زحمتکشان

مواد اولیه...

جنگ و آموزش نظامی

کارگران کارگاه تراشکاری «مهرنیا» در انتظار فراگیری فنون نظامی هستند

کارگاه تراشکاری «مهرنیا» در خیابان کارگر (تهران) قرار دارد و حدود بیست و پنج نفر کارگر در آن کار می کنند. همه کارگران لباس کار دارند و از وسایل ایمنی چون دستکش، ماسک دهان و بینی برخوردارند. برای اطلاع از وضع کارگاه، با یکی از کارکنان کارگاه به گفتگو نشستیم. او گفت:

"مواد اولیه مورد نیاز ما برای تولید ماشین آلات صنعتی عبارتند از آهن آلات چدن، ورق و فلز. ناگفته نماند که در گذشته با یک تلفن می توانستیم همه این مواد را تهیه کنیم، ولی

حالیست احتکار رسماً به داران بزرگ، بایده مدتها دنبال مواد بیرونی. تا بالاخره آنها را به قیمتی گران تر از سابق بدست آوردیم. تقاضای ما از دولت اینست که ریشه احتکار را، که مسلمانان بدست سرمایه داران بزرگ است، بیاورد و فروش مواد اولیه را تحت کنترل خود درآورد."

آنگاه با یکی از کارگران گفتگو کردیم، او گفت:

"من ماهیانه مبلغ ۲۸۵۰ ریال حقوق دریافت می کنم. ما هر روز هشت ساعت و نیم کار می کنیم و نیم ساعت هم برای صرف غذا استراحت داریم. برای رسیدگی به کارهایمان نماینده ای انتخاب کرده ایم، که رأی بط ما کارگران با دولت است."

او در مورد جنگ و تجاوزگران رژیم صدام علیه ایران گفت:

"همان نظری که همه میدانیم این جنگ، جنگ تحمیلی است که عراق به کمک آمریکا به ما تحمیل کرده است. ما نیز چون دیگر برادران و خواهرانمان که نمی توانیم در جبهه جنگ حاضر باشیم، لاقلاً در پشت جبهه از هر کمکی که از دستمان بر آید کوتاهی نخواهیم کرد. ما یکبار مبلغ شصت و سه هزار ریال واریز کرده ایم و بعد از این هم اینکار را ادامه خواهیم داد."

او در مورد لزوم فراگیری فنون نظامی اظهار داشت:

"مدتها پیش توسط نماینده خود از مسئولین امر تقاضا کردیم که در همین محوطه کارگاه به ما آموزش نظامی دهند، ولی تاکنون به این پیشنهاد ما پاسخ مثبت داده نشده است."

هم اکنون دوتن از کارگران منقضی خدمت ۵۶ در جبهه نبرد هستند. ما هم می دوازیم هر چه زودتر آموزش نظامی ببینیم و هرگاه ما دستور بفرما بیند، به جبهه اعزام شویم. کارگران این کارگاه همگی پیرو خط امام خمینی و روحانیت مبارز هستند. خود من تا چندی پیش برخی از شبهات در کمیته منطقه دوازده نگهانی می دادم."

پس از خداحافظی با کارگران کارگاه تراشکاری «مهرنیا» به امید اینکه نهادهای انقلابی هر چه زودتر به خواست کارگران عزیز میهن مان، که با فداکاری و جریح های تولیدی کشور را می گردانند، جهت آموزش نظامی یا سخمسبت دهند.

درباره استقلال ...

بقیه از صفحه ۳

وطني از اينست كه دموكرات‌هاى انقلابى ايران، پيروان صديق خط امام خمينى، مسلمانان راستين مبارز، با اين تجربه غنى مسلح‌شوند و انقلاب ما آن وقت ديگر شكست ناپذير و استقلال ما خدشه‌ناپذير خواهد شد. ليبرال‌ها و مائوئيست‌هاى وطنى مي‌كوشند به زور تكرار، اين نظريه را القاء كنند كه: "دولت روسيه نيمى-تواند دوست ايرانى مستقل و متكى به خود و از همه مهم‌تر اسلامى باشد." واژه "اسلامى‌اش"، كه براى آفايان يك وزن شعر فرصت‌طلبانه است و آن‌ها كمترين اعتقادى به آن ندارند. مى‌ماند بقيه جمله. آيا اين عبارت چه چيزى را به ياد شما مى‌آورد؟ شعار معروف "رنجبرى" هاى امريكايى را، كه "ايرانى مستقل و متكى به خود" را نقاب سياست‌وروشى تخريبى، استقلال-شكنايه و وابسته‌كننده قرار داده‌اند، عبارتى كه در صدر نشرية "رنجبر" است و حالا زيب صفحات "انقلاب اسلامى" هم شده است! "رنجبر"ى-هاى امريكايى اينك ديگر آشكارا و بي-برده به حمايت از ليبرال‌ها برخاسته-اند، عليه انقلابيون راستين موضع-گيرى خصمانه مى‌كنند و مسلمانان انقلابى پيرو خط امام را "انحصار-طلبان روسى" (!) مى‌خوانند. از قلم سر مقاله نويس روزنامه "انقلاب اسلامى" عين عبارت "رنجبرى" هاى امريكايى، بطور "تصادفى" خارج شده؟! نه! اين بيوند ليبرال‌ها و مائوئيست‌ها به منظور جلوگيرى از تعميق انقلاب بسته شده است. عجيب نيست كه آن‌ها، همزيان، دوستى دول مستقل و ضد-امپرياليستى منطقه را همچو پتكي بر فرق خود حس مى‌كنند.

ولى، على‌رغم ليبرال‌ها و مائوئيست‌هاى وطنى، ما مطمئنيم كه صداقت انقلابيون راستين مسلمان و پيگيرى آنها در نبرد عليه امپرياليسم امكان خواهد داد كه آنها خود را از چنگال عقايد قشرى و از قبل ساخته شده و از بند پيشداورى‌هاى زاييده-تجليقات دشمن نجات دهند، و بر شالوده، همين صداقت و با تجربه-خود، خواهند توانست بسيار سريع‌تر و عميق‌تر (به خاطر رويدادهاى توفان آساي کشورمان وحدت مسائل مطرحه در آن و سبعت امپرياليست‌هاى امريكايى در تدارك توطئه‌هاى پيايى) دوستان واقعى انقلاب را بشناسند.

در چنين صورتى، انقلاب خواهد توانست با بهره‌گيرى از نيروي دوستى و همكارى، با حفظ استقلال كامل، عليه امپرياليسم و وابستگى، پيروز-ماندانه نبرد كند.

اين مسئله بسيار مهم است و بي‌جهت نيست كه ليبرال‌ها و مائوئيست‌هاى وطنى چنين همه‌جانبه و با خشم، به زور تهمت‌ها و افتراهاى به كلّى بي‌پايه و ساختگى بر آن مى‌تازند. بسيار مهم است، زيرا در استراتژى و تاكتيك انقلاب، تعيين متحدين و دوستان و همه نيروهايى كه مى‌توانند در جهت وارد كردن ضربه بر دشمن اصلى همكارى كنند و در راه رسيدن به هدف استراتژيك ياوروهم-راه و هم‌رزم باشند، يكى از نكات عمده است. انقلاب ما، اگر اين مسئله مهم استراتژيك را نيز حل كند، بر توانايى خويش و قدرت تأثير انقلابى خود در سراسر گيتى خواهد افزود.

آرى، ما عيقاً "باور داريم كه مى‌توان و بايد مستقل و غيروابسته و غيرمتعهد باقى ماند و دوست همه دوستان انقلاب، از جمله نيروها و كشورهاي سوسياليستى، از جمله اتحاد شوروى بود. همانطور كه قذافي گفت، اسد گفت، عرفات گفت و دهها رهبر نهضت‌هاى آزادبخش، بر اساس تجربه خود گفته‌اند. ما ترديد نداريم كه همه انقلابيون صديق به اين اصل متقاعد خواهند شد، زيرا اين جز واقعيت نيست، و ما هرچه در نبرد ضد امپرياليستى خود پيگيرتر، در استقلال‌طلبى خود مستحکم‌تر و بيناتر و در انقلابى بودن خود صديق‌تر باشيم، زودتر به اين نتيجه خواهيم رسيد، بسى زودتر از نمونه‌هاى مشابه در كشورهاي ديگر، على‌رغم تلاش‌هاى مذبحانه ليبرال‌ها و مائوئيست‌هاى وطنى.

ادامه دارد

از غارت‌گران بزرگ مالك بوده‌است و نه‌نشانه ترك حمايت از زحمتكشان روستاها، بند "ج" نملغى شده‌است و نه منحل. تعويق موقتي بوده‌است. واكنون ميليونها دهقان منتظر هستند كه شاهد پايان تعويق موقت باشند و آغاز فعاليت همه‌جانبه و تمام عيار هيئت-هاى هفت نفرى را ببينند. بارصدها سال بهره‌كشى و زورگوشى بر اين انتظار سنگينى مي‌كند. دهقانان منتظرند سبها اميدى كه ميليونها قلب ستم‌ديده را به طيش واداشتم تا با تصويب مجلس شوروى اسلامى ايران، غده سرطانى مالكيت بزرگ ارضى، كه منشاء غارت و ستم و فساد و حق كشى است، بر كنده شود و هرچه زودتر هم بر كنده شود. از اعماق كشور ما، از چهار گوشه ايران انقلابى، از ميان زحمتكش-ترين مردم كشور، از بين همه نهادها و نيروها و سازمان‌هاى انقلابى اين بانك بكوش ميرسد:

بند «ج» را هر چه زودتر و قاطعتر اجرا كنيد!

به اين سخنان توجه كنيد:

نشده‌است: خاطر جمع باشيد اگر خواست دهقانان از اجراى كامل تقسيم اراضى بخصوص بند "ج" آن مورد موافقت و اجرا قرار گيرد، انقلاب به يكى از بزرگترين منابع و ذخاير خود دست خواهد يافت. (نطق قبل از دستور جلسه ۱۷ بهمن ۵۹-نامه "مردم" ۱۸ بهمن ۵۹)

مصطفى تبريزى نماينده مجلس:

"اميدوارم هر چه زودتر شرايط براى اجراى بند "ج" و ارجح واگذاري زمين، كه توسط اسلام شناسان چون آيت‌اله مشكيني امضاء شده است، آماده شود. هم اكنون با توقف بند "ج" فتوئالهاى شهر بجنورد براى نشان دادن زهر چشم، كشاورزى را جلودرب خانهاش حلق آويز كرده‌اند."

(نامه "مردم"، گزارش مجلس، ۱۹ بهمن ۵۹ صفحه ۷)

رحيمزاده عضو هيئت هفت نفرى واگذاري زمين در گنبد:

"... توقف بند "ج" اشكالاتى در بعد اقتصادى و سياسى و اجتماعى و روانى و عوارضى در كوتاه مدت در منطقه بوجود مى‌آورد... عوارض اقتصادى عبارتند از كمبود توليد بعلت بلا تكليفى مالكيت، هرج و مرج در توزيع بذر و كود و وام و تراكتور در كوتاه مدت، بيكارى شديد ناشى از وحشت مالكين در بكارگيرى كارگران، تك‌محصولى شدن كشاورزى به دليل كشت‌هاى ساده و كم زحمت (كمبود پنبه در منطقه) و بيكار شدن كارگرها، معطل شدن خريد و فروش زمين‌هاى كوچك بعلت بلا تكليفى، از بين رفتن وقت، نيرو و بودجه‌اى كه مكارفته است." (كيهان ۱۴ بهمن ۵۹، صفحه ۵، نگاهى به اصلاحات ارضى...)

اين سخنان تاكيدى است بر ضرورت از ميان برداشتن سريع و فورى موانع در برابر اجراى كامل قانون اصلاحات ارضى و از جمله بند "ج" اين سخنان مويد اين واقعيت است كه اجراى كامل و فورى قانون اصلاحات ارضى بسود دهقانان بي زمين و كم زمين، گام بلندى در طريق نيل، به رشد و شكوفايى اقتصاد كشاورزى و در نهايت رسيدن به استقلال اقتصادى است. و بالاخره اين سخنان در تايد اين حقيقت است كه توقف بند "ج" و تاخير در اجراى كامل قانون اصلاحات ارضى، موجب تشديد تضيقات و اعمال فشارها از سوى بزرگ مالكان بر دهقانان زحمتكش و گسترش توطئه‌هاى آنان عليه انقلاب بزرگمان شده است.

اجراى بند «ج»

بقیه از صفحه ۵

پس از پيروزى، تصميم قاطع آنسان را بدفاع از انقلاب و پيشبرد آن بيان كنند، ميتوانند و بايد بيانگر آن خواست مبرم و آن حق مسلم و آن دستاورد قانونى دهقانان باشند كه، به حكم سه ماه تجربه تلخ، اكنون ديگر همه دست اندركاران متعهد و مسئولان انقلابى به آن معترفند و به آن تكيه مي‌كنند و هر لحظه تاخير را شكستى براى انقلاب و زمينه‌اى براى رشد ضدانقلاب ميدانند. آن عبارتست از:

اجراى بند "ج"! دلها در انتظار تصميم درست مجلس شوروى اسلامى ايران است. تاكيد مكرر در مكر شده است كه تصميم به تعويق موقتي بند "ج" فقط بعلت شرايط حساس ماه آغازين جنگ و توطئه‌هاى دشمنان خارجى و داخلى اتخاذ شده، يعنى نه به خاطر شرعى نبودن بند بوده‌است و نه بخاطر نقصى در قانون. نه علامت حمايتى

محمد سلامتى وزير كشاورزى:

"... بدون حل مسئله زمين، به هيچ عنوان نميتوان برنامه ريزى دراز مدت و حتى كوتاه مدت كرد، زيرا هر برنامه ريزى روى "زمين بستگى به شيوه مالكيت (خصوصى، دولتى، تعاونى و غيره) دارد و اختصاص نهادهاى كشاورزى، وام و خدمات فنى و زيربنايى نيز بدان مرتبط است و لذا تزلزل وضع مالكيت زمين باعث عدم امكان يك برنامه ريزى اصولى و صحيح خواهد شد."

(در پاسخ به اين پرسش خبرنگار كيهان كه: آيا وزارت كشاورزى ميتواند بدون حل مسئله زمين، برنامه ريزى اساسى براى روستاها انجام دهد يا نه؟ كيهان چهارشنبه ۱۵ بهمن ۵۹، صفحه ۵، نگاهى به اصلاحات ارضى اسلامى، كشاورزى ايران و مسائل خودكفايى)

مسئول وام خدمات كشاورزى در ستاد واگذاري زمين:

"... اما عواقب توقف بند "ج": نابودى امر كشت بزرگ، شديده خود-كفايى و توسعه رشد مملكت و هرج و مرج در روستا و تبليغات عليه دولت و حاكم شدن روانى فتوئالها و تهامجم آنها براى لغو قرارداد، نبودن برنامه براى كليه كارها و ناتوانى وزارت كشاورزى براى حل مسئله زمين و منتفى شدن برنامه مراكز خدمات كشاورزى و نادیده گرفتن افكار عمومى كه عواقب سوبى دارد، از عواقب توقف اين بند است."

(در پاسخ به سؤال خبرنگار كيهان، ۱۵/۱۱/۵۹- نگاهى به اصلاحات ارضى...)

آقاى رحيمى، نماينده مجلس شوروى اسلامى:

"از آفايان آيت اله منتظرى، آيت اله مشكيني و آيت اله بهشتى بخواهم و يا خودمان قانونى تصويب كنيم كه اين بند "ج" هم به مورد اجرا گذاشته شود... اگر بخواهم اقتصاد مملكت خوب باشد، بايد زمين را بدهيم به بيل بدست‌ها... (نطق قبل از دستور جلسه ۲۸ بهمن ۵۹-نامه "مردم" ۲۹ بهمن ۵۹)

سرگون بيت اوشانا، نماينده آشوروى‌ها و گلدانى‌ها در مجلس شوروى اسلامى:

"تقسيم اراضى باور كامل و بر اساس قانونى كه به تصويب شوروى انقلاب رسیده‌است، كشاورزان را به چنان نيروى علاقمند و پشتيبان انقلاب تبديل خواهد نمود كه تا بحال هرگز ديده



اصل قانون اساسى را در مورد ملي كردن بازار گانجى خارجى اجرا كنيد!

روزنامه "انقلاب اسلامى" در شماره مورخ ۶ اسفند خود نوشته است كه: آيت الله ربانى شيرازى، عضو شوروى تكپيان قانون اساسى، در سمينار وحدت در وزارت دفاع، يك سخنرانى ايراد كرده و از جمله گفته است: «ما بايد هشير باشيم، چون اكنون گروههاى چپ و انحرافى در قسمتهاى مختلف امور دخالت مي‌كنند و خبرهائى دارم كه توده‌هاى و فدائيه (اكثريت) تحت لواى اسلام درصددى هستند كه به اسلام و انقلاب اسلامى مان هستند.»

(انقلاب اسلامى، ۶ اسفند ۵۹) اين عبارت را تنها روزنامه "انقلاب اسلامى" منتشر ساخته است. اگرچه در اين روزنامه سابق تحريف حقايق و تحريك بمنظور نفاق افكنى بسيار ديده شده است؛ ولى از آنجا كه، تا بحال، از جانب آيت الله ربانى شيرازى مطالب مذکور تكذيب نشده، تذكرات چندانى را ضرورى ميدانيم.

حزب توده ايران اتهامات عنوان شده چون «دخالت در قسمتهاى مختلف امور» و «ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامى» را قويا تكذيب مي‌كند. بنظر ما ايراد اتهام از جانب فردين مسئوليتى چون آيت الله ربانى شيرازى كه رظيفه تكپيانى از قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران را برعهده دارد، بايد بردلايل و شواهد مسلم و بي‌خنده استوار باشد، كه چنين ادلايل و شواهدى، البته، در اظهارات ايشان وجود ندارد و نميتواند وجود داشته باشد، وجود ندارد زيرا كه اتهام

هشير باشيم، تفرقه به سود دشمن است!

هشير باشيم!

